

مورخ ۱۶ یا ۱۷ نوامبر ۱۹۱۱ در منزل مبارک در پاریس: درباره سه مقام انسان

حضرت عبدالبهاء

نسخه اصل فارسی



مورخ ۱۶ یا ۱۷ نوامبر ۱۹۱۱ در منزل مبارک در
پاریس:
درباره سه مقام انسان¹

(خطابات جلد اول، ص. ۱۶۷-۱۷۰)

هُوَالله

¹ نطق مبارک ۲۵ ذی قعدة ۱۳۲۹ در منزل مبارک - پاریس ۱۶ نوامبر ۱۹۱۱



ORIGINAL



AUDIO

در عالم انسانی سه مقام است.

مقام جسم است و آن مقام حیوانی انسانست که با جمیع حیوانات در جمیع قوی و جمیع شئون مشترکست. زیرا جسم حیوان مرکب از عناصر و جسم انسان نیز مرکب از عناصر است. حیوان قوای محسوسه دارد، مثل بصر و سمع، ذوق، شم، لمس؛ انسانهم این قوی را دارد.

ولی حیوان نفس ناطقه ندارد، این نفس ناطقه واسطه است میانه روح انسانی و جسم. این نفس ناطقه کاشف اسرار کائناتست، ولی اگر از روح مدد گیرد و از روح استفاضه کند، و الا اگر مدد از روح به نفس نرسد، آنها مثل سائر حیواناتست، چه مغلوب شهواتست. اینست که ملاحظه می شود بعضی بشر به صفت بقر هستند، حیوان محضند، ابداً از حیوان امتیازی ندارند. اما اگر این نفس از عالم روح استفاضه کند، آن وقت انسانیت او آشکار می شود.

پس معلوم شد نفس دو جنبه دارد یک جنبه جسمانی و یک جنبه روحانی. اگر جنبه حیوانی غالب بر نفس شود از حیوان پست تر است. اینست که در عالم بشر نفوسی می بینی که از حیوان درنده ترند، از حیوان ظالم ترند، از حیوان بدخو ترند، از حیوان رذیلت‌ترند، سبب اذیت بشرند، سبب نکبت عالم انسانیتند، مرکز ظلماتند. و اگر جنبه روحانی، غلبه بر نفس کند، نفس قدسیه شود، ملکوتیه شود، سماویه شود ربانیه شود، جمیع فضائل ملاً اعلی در او طلوع کند، رحمت خدا شود، سبب آسایش انسانی شود. اینست فرق میان نفس اماره بالسوء و نفس مطمئنه. پس واضح شد که نفس واسطه است میانه روح و جسد، مثل اینکه ساقه این درخت واسطه است میانه این خاک و ثمر. اگر این ثمر از این شجر ظاهر شود، مظهر کمالات است. به همچنین اگر نفسی مؤید به روح شود، آن نفس نفس مبارکست. اما اگر این شجر ثمری نداشته باشد، همان نابت از خاک باشد، سزاوار آتش است. این مقام مثل است می گویم تا بفهمید.

امید از الطاف بی پایان الهی چنانست که روح شما غلبه بر نفس نماید تا نفوستان نفوس قدسیه شود تا کمالات آسمانی در تمام ظاهر شود، پرتو شمس حقیقت در شما طلوع کند، در انجمن عالم به رفتار و گفتاری مبعوث شوید که شمع این عالم گردید. نمی بینید جمیع بشر مشغول به عالم ناسوتند ابداً در فکر تهذیب اخلاق بفیض لاهوت نیستند، ابداً در فکر اکتساب کمالات عالم انسانی نیستند، بلکه مانند حیوانات منہمک در عالم شهوات هستند که بخورند و بنوشند و وسعت معیشت پیدا کنند بعینه مثل حیوان. معلومست انسان باید در فکر معیشت باشد، اما نه اینکه فکرش محصور در معیشت تنها باشد باید فکرش بلند باشد و به فکر آن باشد که مظهر موهبت الهی باشد، اکتساب کمالات معنوی کند و با

اخلاق آسمانی میانه خالق ظاهر شود تا شخصی ملکوتی گردد و الا ناسوتیست ایّامی چند مثل حیوان در این زمین گذران می کند و آخر می رود. من از برای شما عالم دیگر می خواهم من می خواهم شما ها روح مجسم شوید تا سبب حیات عالم انسانی گردید.

